

دبستان سروش

دیدار از دبستان پسرانه غیرانتفاعی سروش. دوشنبه - ۱۳۷۷/۵/۵ (۳ ربیع‌الثانی ۱۴۱۹)

دیدار از این مدرسه توسط آقای فرحانی از دوستان شاغل در پیش‌دبستانی پیام هدایت که دو سال را در سروش و در کلاس اول تدریس نموده‌بودند هماهنگ شد و در آنجا همراه ما جناب آقای سوری معلم کلاس اول بودند که حدود ۷ سال را در آنجا مشغول بوده‌اند.^۱

و آن روز و آن تاریخ، پیرامون آنچه دیدم چنین نوشتم:

۱. به طور کلی محیط فیزیکی مدرسه دلچسب نیست؛ کلاس‌های گرفته، بی‌روح و کوچک! رنگ‌آمیزی‌های نامناسب محیط، قسمت‌های ناموزون ساخته‌شده توسط مؤسسه تا خانه‌ای را به شکل مدرسه‌ای در آورد! ... ولی نشده آنچه باید!

۲. از جهت مشاهدات و صحبت‌هایی که از معلم کلاس اول آن جا شنیده می‌شد، موسس مدرسه و یا مدیریت آن ذهنیت ویژه‌ی فرهنگی، مذهبی‌ای نداشته‌اند؛ چنانچه مؤسس آن مدیر منطقه ۱ آموزش و پرورش و یک فرد اداری هستند. گرچه نمی‌خواهم زحمات را نادیده بگیرم اما برخی بی‌دقتی‌ها عجیب است!^۲ مثلاً برای اتاق استراحت معلمین یک تلویزیون تهیه شده که به گفته‌ی آقای سوری ظهرها برای معلمان فیلم نشان می‌دهند!^۳

^۱ - سال هاست از هیچ کدام خبری ندارم! خداوند به سلامت بداردشان!

^۲ - لااقل برای بنده!

^۳ - از تعابیر این گونه بر می‌آمد که منظور برنامه‌ها یا مستندهای آموزشی نیست! فیلم! سریال و ...!! توجه دارم که حتماً پشت هر تصمیم در هر مجموعه‌ای بالاخره یک استدلالی هست؛ ولی من هم نمی‌تواند با استدلال‌های مغایر و آشکاری که با برخی تصمیم‌ها دارم به شکلی بی‌تفاوت گزارش کنم! بالاخره هیچ وقت نمی‌توانم و شاید حتی نخواسته‌ام (مگر در استثناء) که بدون باورهایم گزارش کنم! من سبب زمین نیستم و اساساً برای نوشتن‌هایم که بخشی از عمرم را هم می‌گیرد استدلال دارم! هدف دارم! پس باید اهداف و اندیشه‌هایم را تعقیب کنم! چه در داستان‌هایی که گزینش می‌کنم، چه در گزارشاتی که می‌نویسم و چه در گزاره‌هایی که بر می‌گزینم! (سیدمحمد خردمند)

۳. بچه‌های مدرسه برای رفتن به نماز آزادند، گرچه تشویق می‌شوند!^۴

۴. مدرسه نسبت به کار سفال کلاس اول و دوم بچه‌ها توجه خاص دارد!

۵. کار ژیمناستیک را با بچه‌های مستعد انجام می‌دهند و خارج از وقت مدرسه.

۶. امسال در تابستان اردویی نگذاشته‌اند.

۷. کلاً مدرسه‌ی بی روح و سردی است. گرچه سعی شده با رنگ کردن دیوارهای حیاط و ساختن آبشار

مصنوعی آن را شاداب جلوه دهند! اما خوب نشده است! بگویم خیلی با طراوت بود، وقتی نبود!!

۸. در حین بازدید از یکی از مربیان شنیده شد که به معلمان آن جا توجه می‌شود، حال این که در زمینه‌ی

مادی است یا زمینه‌های دیگر است نفهمیدم! یکی دیگر از مربیان هم ابراز می‌کرد که «این جا همه جوانند

و شیخ ندارند!» ... و دیگری گفت که «مدرسه عیبی ندارد! هیچ عیبی! خیلی عالی است و از جاهایی که

می‌شناسد و ارتباط دارد خیلی بهتر است!». می‌گفت در این جا همه تلاش می‌کنند و همه کارهایشان

خیلی عالی است. همان معلم گفت که قرار است یک اتاق را آزمایشگاه کنند؛ یعنی آن موقع نداشت و

می‌گفت در مسابقات سرود و نمایش و ... همیشه در منطقه اول هستند.

^۴ - بحث آزادی و غیر آزادی نیست! تعجب از برنامه‌ی مدرسه برای این ترغیب است! ... تقریباً هیچ! البته آن گونه که من فهمیدم!